

در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب
 در مورد این آید و هر چه است در این مورد که در این کتاب آمده است و در این کتاب

حالت و مختصات

مکاتب مختلف موسیقی غربی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ایتالیا

غالباً، در مغرب زمین، کشور ایتالیا را مهد موسیقی می‌انگارند و بسیاری از ابداعات هنر موسیقی را نیز به‌نرمندان آن سرزمین نسبت می‌دهند. چنین تصویری از این حقیقت مایه می‌گیرد که ایتالیایی‌ها مردمی هستند که با آواز و موسیقی دلبستگی خاصی دارند. از این نقطه نظر ایتالیارا، با اسپانی و روسیه، در صف اول سرزمین‌هایی جای باید داد که آواز بطور طبیعی

از احتیاجات و اشتغالات اولیه روزانه مردمشان بشمار می رود و بازندگی و فعالیت‌هایشان ارتباطی ناگسستی دارد .

هنگامی که سخن از موسیقی ایتالیائی بمیان می آید معمولا و در وهله نخست منظور موسیقی ایست که حالت و لحن آوازی پر شور و پر حالتی دارد که در آن ملودی سرشاری روانست و «همراهی» (آکومپانیمان) ساده و بی پیرایه‌ای آنرا پشتیبانی می کند . اگر در نظر آوریم که ملودی عامل اصلی و اساسی موسیقی است بناچار بایستی از آنچه گفتیم این نتیجه را بگیریم که ایتالیائی‌ها مردمی بسیار موسیقی‌دان و موسیقی دوستند .

ولی بدین نکته توجه باید داشت که در بحث حاضر آنچه مورد توجه ماست مکاتب هنر موسیقی است . بعبارت دیگر « محصولات طبیعی » در بحث ما چندان جایی نمی توانند داشت بلکه مراد محصولیست که بتدریج عمل آمده و بعد هنری ارتقاء یافته باشد . از این نقطه نظر - یعنی از لحاظ هنری - و بشهادت تاریخ موسیقی ، موسیقی ایتالیا دیرزمانی تحت تأثیر هنر کشور های دیگری بوده است تا جایی که پیش از قرن شانزدهم موسیقی دانان ایتالیائی مهمی بفرآوانی نمی توان یافت . فرانسویان و انگلیسی ها در این مورد بر ایتالیائیان مقدمند و حتی می توان گفت که مسیر تحول هنر موسیقی آن سرزمین را طرح کرده اند .

همچنانکه اشاره شد در این باره تصور نادرستی رواج و عمومیت دارد که با حقایق مستند تاریخی تطبیق نمی کند .

موسیقی « آرمونیک » که بدست موسیقی دانان مکتب فرانسه و فلامان در قرون وسطی پی ریزی شد در نیمه سده پانزدهم همچون حد هنری و الائی شناخته شد و در سرتاسر اروپای متمدن عمومیت یافت . نخستین آهنگسازان ایتالیائی نیز در محضر موسیقی دانان پولیفونیست فرانسوی و بلژیکی پرورش یافتند که در شهرهای ایتالیا ، و بخصوص ونیز ، سکنی گزیده بودند .

این نکته نیز گفتنی است که از همان دوره موسیقی ایتالیائی ، چون نقاشی ایتالیائی ، شامل مکاتبی بود که در شهرهای مختلف آن کشور پدید آمده بود و هر کدام سبکی و خصوصیات داشتند : از قبیل مکتب ونیز ، مکتب رم و بعدها مکتب ناپل . آهنگسازان مکتب رم ، برخلاف مکتب ونیز ، کوشش می کردند که پولیفونی را سبک تر و بی پیرایه تر سازند تا ملودی مجال

خودنمایی بیشتری داشته باشد. مکتب فلورانس که مرکز «رنسانس» موسیقی و موجب پیدایش اپرا گردید نیز، چنانکه می دانیم، از پولیفونی پیچیده و غنی روی برتافت و به یک ملودی روشن و گویا پرداخت. از آن پس موسیقی دانان ایتالیایی به موسیقی آوازی و نمایشی (مادریگال، اپرا، اوراتوریو...) توجهی خاصی ابراز داشتند تا جایی که حتی شیوه موسیقی سازی ایتالیایی نیز از سبک و لحن آوازی مایه گرفت. توضیح آنکه تحولات موسیقی سازی ایتالیا با تاریخ ویولون رابطه ای ناگسستنی دارد و، از طرف دیگر، ویولون سازیست که شاید از نظر قابلیت و لحن بیان بیش از هر ساز دیگری بلحن و صدای آدمی، و آواز، نزدیک است. ویولون پیش از آنکه بدست صنعتگران ایتالیایی تکمیل گردد و بصورت سازی «ملودیک» درآید دیرزمانی در موسیقی رقص - و غالباً جهت تشدید اوزان رقص - بکار می رفت و سازی پر سر و صدا و خشن بود. تأثیر سبک اپرا در نخستین آثار مهمی که آهنگسازان ایتالیایی برای ساز ویولون نوشته اند پیداست و گوئی ساز ویولون به تقلید بیان و انحنای شیوه آوازی برخاسته است.

بنابر آنچه گذشت مکتب ایتالیا بخصوص پس از نهضت «رنسانس» استقلال و اصالت یافت. در قرنهای پس از آن شیوه و خصوصیات اپرا در کلیه انواع دیگر موسیقی ایتالیایی مؤثر افتاد. اصیل ترین و مهمترین خصوصیات مکتب ایتالیا را بایستی در اپرا و در فورمهای مشابه یا مشتق از آن جست؛ حتی موسیقی مذهبی ایتالیایی نیز از تأثیر اپرا مصون نمانده است.

با پیدایش رمانتیسزم، و توسعه و ترقی مکتب موسیقی آلمان، موسیقی سازی ایتالیایی (که اهمیت آن بهیچوجه قابل اهمال نیست) اندکی با انحطاط گرائید و موسیقی دانان مهم ایتالیایی بیش از پیش به فورم اپرا روی آوردند. بدون آنکه بتفصیل به بحث در تحولات تاریخی موسیقی ایتالیا پردازیم یک نظر اجمالی بآثار آهنگسازانی چون روسینی، وردی و پوچینی بخوبی نشان می دهد سنت های کهنسال موسیقی ایتالیا و همچنین خصوصیات بارز آن پیوسته، بصور گوناگون، در آثار آهنگسازان بزرگ ایتالیا محفوظ مانده است. سنتها و خصوصیات که اشاره کردیم از علاقه طبیعی ایتالیاییان بآنچه

که « Bel canto » (آوازخوش) می خوانند مایه می گیرد و چنین علاقه ای را در کلیه تحولات هنری و فنی موسیقی ایتالیا باز می توان یافت . این « آواز خوش » - که صفت مشخصه موسیقی ایتالیائی اش باید شمرده - به ملودی پر حالت و شورانگیزی اطلاق می شود که کمابیش سهل الوصول است و از تزئینات زیبا و ظریفی عاری نیست . شدت و رقت بیان و حالت (Expression) از عوامل اصلی چنین ملودی بحساب می آید . در این میان « آرمونی » و بخش همراهی معمولاً در خدمت ملودی اصلی بکار گمارده می شود و غالباً اهمیت نسبی کمتری دارد . از این مشخصات کلی که بگذریم پیداست که همین « آوازخوش » در آثار آهنگسازان مختلف ایتالیا بصور و تعبیرات گوناگونی جلوه گر می شود : گاه اهمیت آن چنانست که سرتاسر نمایش اپرا را تحت الشعاع می گیرد و تمهیداتی چون « تحریر » و « غلط » و « ووکالیز » عرصه را بر جریان نمایش و جنبه ها و عوامل دیگر موسیقی و نمایش تنگ می سازد ولی موسیقی دانان بزرگ ایتالیائی توانسته اند آثار متعادل و پرارجی پردازند که با همه جلا و تزئینات ظاهری خود مبین عمیقترین حالات و عوالم روحی و نفسانیست .

نهضتی که « دوبوسی » در موسیقی جدید اروپا پدید آورد در مکتب موسیقی ایتالیا نیز ، بطور غیرمستقیم ، مؤثر افتاد ؛ از آن پس آهنگسازان ایتالیائی از حدود ملودیهای سهل و پرشور و با موسیقی نمایشی و اپرائی فراتر رفتند و کوشیدند تا سنت های مکتب ملی خود را در زمینه های دیگری تجلی بخشند .

رتال جامع علوم انسانی